



روح چیست؟



فرید سیاوش

شناخت روح جدا از زندگی و مرگ ممکن نیست. بحث پیرامون چیستی روح الزاماً پای پیوند دیالکتیکی زندگی و مرگ را به میدان میکشد و به شناخت زندگی و مرگ که هم اختیار اند و هم اجبار، ارتباط ناگسستنی دارد.

زندگی چیست؟

در زیست شناسی اغلب از چند ویژگی یاد می کنند که براساس آن ها، هر آن موجودی که حداقل برخی از آن ها را در بر داشته باشد می تواند "زنده" خطاب شود. این خصوصیات به این شرحند:

- ✚ سازماندهی: (Organization) موجودات زنده درجه بسیار بالایی از سازماندهی را به نمایش می گذارند
- ✚ حفظ موجودیت یا پایداری: (Homeostasis) منظور از پایداری، قابلیت ثابت نگه داشتن محیط درونی بدن یا سلول است، نظیر حرارت، PH، جمع شدن آب و...
- ✚ سازش با محیط یا سازگاری: (Adaptation)
- ✚ تولید مثل و وراثت: (Reproduction and heredity)
- ✚ رشد و نمو: (Growth and development)
- ✚ جذب و دفع انرژی: (Energy acquisition and release)
- ✚ تشخیص و پاسخ به محرک ها: (Detection and response to stimuli)
- ✚ تعامل یا فعل و انفعال: (Interactions) موجودات زنده، درست به خوبی سایر چیزها، ارتباط خوبی با محیط پیرامونشان دارند. آنها مواد خام و انرژی را از محیط و نیز سایر موجودات زنده به دست می آورند. وجود اشکال گوناگونی از همزیستی (ارتباطات موجودات زنده با هم) مثال هایی در این رابطه است.

مرگ چیست؟

بنیادی ترین پرسش علمی و فلسفی در باب مرگ، پرسش مربوط به ماهیت یا ذات مرگ است: مرگ چیست؟ مرگ؛ پایان کامل زندگی توقف قطعی و برگشت ناپذیر اعمال قلبی، عروقی و تنفسی، حسی و حرکتی است که مرگ سلول های مغزی بر وجود آن صحنه می گذارد. ما میمیریم چون سلول ها میمیرند.



روح چیست؟

بحث روح، بحثی است پیچیده و دراز دامن. بود و نبود و چیستی آنرا باید در حوزه خرد جستجو کرد نه در پندارهای ماوراء طبیعی و باورهای غیر علمی و عامیانه که بیشترین آنها ریشه در ترس و نبود شناخت و وسایل لازم علمی برای شناخت جریانی که به نام روح معرفی شده است، دارد.

روح جریان برقی در بدن است که بوسیله این جریان برقی تحرک در بدن ممکن میگردد وقتی بدن دیگر به هر دلیلی خواه کبرسن، مریضی های کشنده یا حوادث و اتفاقات نتواند برق تولید کند اعضای بدن از فعالیت باز می ماند.

وقتی آخرین نفس ها یا دم تمام میشوند بی دم میشویم، می گویند روحش پرواز کرد.

این مساله را خوبست کمی بیشتر بشگافیم؛

ما می دانیم همه چیز از اتم تشکیل شده و اتم ها نیز از پروتون و نوترون و الکترون تشکیل می شوند الکترون ها به دور مرکز یا هسته اتم می چرخند همان طور که ماه به دور زمین می گردد. هسته از نوترون و پروتون تشکیل شده است. الکترون ها شامل یک بار منفی و پروتون ها یک بار مثبت هستند، نوترون ها خنثی هستند آن ها نه بار مثبت دارند نه بار منفی .

در هر اتم تعداد مشخصی الکترون، پروتون و نوترون وجود دارد، اما معمولاً جدا از این که یک اتم چند ذره دارد، تعداد الکترون ها باید با تعداد پروتون ها برابر باشد. اگر تعداد الکترون ها و پروتون ها یکی باشد، اتم در تعادل و بسیار پایدار است.

وقتی الکترون ها بین اتم ها حرکت می کنند، جریان الکتریسته تشکیل می شود. یعنی هنگامی که این بارها از حال تعادل خارج می شوند اتم دارای بار مثبت یا منفی می شود، حالا وقتی یک اتم بار منفی و دیگری بار مثبت پیدا کند موجب می شود الکترون ها از اتمی به اتم دیگر جریان یابد و این جریان الکترون یا بار چیزی است که از آن با نام الکتریسته یاد می کنیم. در نتیجه چون بدن ما دارای حجمی عظیم از الکترون ها است ما نیز می توانیم الکتریسته (برق) تولید کنیم.

برق تولید شده توسط بدن انسان است که موجب سیگنال می شود؛ به هنگام سخن گفتن از سیستم عصبی در حقیقت از یک سلسله سیگنال های فرستاده شده به مغز صحبت می کنیم. که با فرمان دادن به ما باعث انجام کار های روزانه می شوند. در این جا نیز بحث ما الکتریسته است که پیام ها را از نقطه ای به نقطه ای دیگر می برد. البته در بدن ما الکترون ها در امتداد سیم برق حرکت نمی کنند، به جای آن بار الکتریکی است که از نقطه ای به نقطه ای دیگر می برد تا به مقصدش برسد.

در نتیجه الکتریسته عنصری کلیدی برای ادامه حیات است. سیگنال های الکتریکی اجازه ی پاسخ سریع را برای کنترل پیام ها می دهند. سیگنال های حیاتی از سری توده های سلولی موجود در قلب که به گره سینواتریال یا گره SA معروف اند می آید. این گره در آتریوم راست واقع شده و ریتم ضربان قلب ما و حرکت خون از قلب به بخش های دیگر بدن ما را کنترل می کند. قلب این ضربان ساز طبیعی، سیگنال های الکتریکی را برای تنظیم سرعت خود مورد استفاده قرار می دهد. به عنوان مثال در هنگام خطر به فرمان سیگنال ها قلب سریع تر می زنند. اما تپش قلب تنها وابسته به محرک های الکتریکی تولیدی نیست بلکه تقریباً همه ی سلول ها قابلیت تولید برق دارند.

روح همین جریان و گردش الکتریسته یا برق در بدن فرد است. هرگاه این تعادل به گونه برهم بخورد که دیگر الکترون ها نتوانند بین اتم ها جریان یا گردش داشته باشد؛ الکتریسته یا برق تولید نشده و یعنی منبع تولید برق به تدریج یا گاهی هم یکبارگی بنابر عواملی از کار می افتد و مرگ اتفاق افتد.

برآمدن روح از بدن یعنی تمام شدن تولید و جریان برق یا الکتریسته در بدن فرد است، که فرد دیگر نتواند نفس بکشد. روح جریان برقی در بدن است که بوسیله این جریان برقی تحرک در بدن ممکن میگردد وقتی بدن دیگر به هر دلیلی خواه کبرسن، مریضی های کشنده یا حوادث و اتفاقات نتواند برق تولید کند اعضای بدن از فعالیت باز می ماند.

وقتی آخرین نفس ها یا دم تمام میشوند بی دم میشویم و می گویند روحش پرواز کرد.

